



رامین برتو

عراق ایسن روزها بیش از هر زمان دیگری بیه کانون تحولات سیاسی امنیتی منطقه تبدیل شده است؛ تحولاتی که نه‌تنها ساختار داخلی این کشور را تحت تأثیر قرار داده بلکه ابعاد تازه‌ای از رقابت‌های راهبردی میان ایران، اسرائیل و ایالات متحده را آشکار کرده است. در حالی که بغداد همچنان درگیر رازینی‌های پیچیده‌برای تشکیل دولت جدید و حل اختلافات میان جریان‌های سیاسی است، انتشار گزارش‌هایی درباره وجود یک پایگاه مخفی اسرائیلی در غرب عراق، افکار عمومی منطقه را در شوکی کم‌سابقه فرو برده است.

گزارش روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال مبنی بر اینکه اسرائیل پیش از آغاز جنگ گسترده علیه ایران، یک پایگاه سری در بیابان‌های عراق ایجاد کرده بود، نه‌تنها ابعاد امنیتی تازه‌ای را آشکار کرد، بلکه سوالات سنگینی را نیز درباره میزان نفوذ بازیگران خارجی در عراق و وضعیت واقعی حاکمیت بغداد بر سرزمین خود به وجود آورد. بر اساس این گزارش، این پایگاه با اطلاع آمریکا ساخته شده و مأموریت آن پشتیبانی لجستیکی،

استقرار نیروهای ویژه و آماده‌سازی تیم‌های جست‌وجو و نجات برای عملیات احتمالی علیه ایران بوده است. افشای این پایگاه، آن هم به واسطه گزارش یک چوپان محلی درباره رفت‌وآمد بالگردها و تحرکات غیرعادی نظامی، به سرعت به یک رسوایی امنیتی بزرگ تبدیل شد؛ رسوایی که اکنون دولت، پارلمان و نهادهای امنیتی عراق را زیر فشار افکار عمومی قرار داده است.

**عراق؛ حلقه راهبردی میان ایران، سوریه و خلیج فارس**

انتخاب عراق برای ایجاد یک پایگاه مخفی اسرائیلی اتفاقی یا صرفاً تاکتیکی نبود، بلکه بخشی از یک طراحی ژئوپلیتیکی گسترده‌تر به شمار می‌رود. عراق از منظر جغرافیایی، مهم‌ترین حلقه اتصال میان ایران، سوریه، لبنان و خلیج فارس است. همین موقعیت سبب شده که این کشور طی دو دهه اخیر به میدان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای تبدیل شود.

برای اسرائیل، حضور در غرب عراق چند مزیت راهبردی اساسی دارد. نخست آنکه این منطقه در فاصله‌ای نسبتاً نزدیک به مرزهای غربی ایران قرار دارد و می‌تواند به‌عنوان سکوی پشتیبانی برای عملیات‌های اطلاعاتی،

پهپادی یا هوایی علیه ایران عمل کند. دوم آنکه بیابان‌های گسترده و کم‌جمعیت غرب عراق، امکان ایجاد زیرساخت‌های مخفی و دور از دید را فراهم می‌کند. همان‌گونه که برخی تحلیلگران آمریکایی اشاره کرده‌اند، حتی ارتش آمریکا نیز در جنگ‌های عملیات‌های ویژه استفاده کرده بود.

از سوی دیگر، اسرائیل در سال‌های اخیر تلاش کرده است حلقه محاصره اطلاعاتی و عملیاتی پیرامون ایران را

تکمیل کند. هدف اصلی اسرائیل از تاسیس چنین پایگاهی را باید فراتر از یک مرکز موقت نظامی دانست. این پایگاه به احتمال زیاد چند مأموریت مهم‌تر را دنبال می‌کرد که عبارت است از پشتیبانی از حملات هوایی علیه ایران، رصد تحرکات نظامی ایران و نیروهای هم‌پیمانش، ایجاد ظرفیت نجات

از سوی دیگر، اسرائیل در سال‌های اخیر تلاش کرده است حلقه محاصره اطلاعاتی و عملیاتی پیرامون ایران را تکمیل کند. هدف اصلی اسرائیل از تاسیس چنین پایگاهی را باید فراتر از یک مرکز موقت نظامی دانست. این پایگاه به احتمال زیاد چند مأموریت مهم‌تر را دنبال می‌کرد که عبارت است از پشتیبانی از حملات هوایی علیه ایران، رصد تحرکات نظامی ایران و نیروهای هم‌پیمانش، ایجاد ظرفیت نجات

از سوی دیگر، اسرائیل در سال‌های اخیر تلاش کرده است حلقه محاصره اطلاعاتی و عملیاتی پیرامون ایران را تکمیل کند. هدف اصلی اسرائیل از تاسیس چنین پایگاهی را باید فراتر از یک مرکز موقت نظامی دانست. این پایگاه به احتمال زیاد چند مأموریت مهم‌تر را دنبال می‌کرد که عبارت است از پشتیبانی از حملات هوایی علیه ایران، رصد تحرکات نظامی ایران و نیروهای هم‌پیمانش، ایجاد ظرفیت نجات

گزارش یک چوپان محلی از نفوذ امنیتی اسرائیل در بغداد پرده برداشت؛

# بیابان‌های عراق، دژ سری اطلاعاتی – عملیاتی علیه ایران!

در خاک عراق ایجاد شود و بغداد از آن بی‌اطلاع باشد؟

پاسخ به این سؤال چندان ساده نیست. در ظاهر، مقامات عراقی تلاش کرده‌اند خود را اغافلگیر و بی‌اطلاع نشان دهند. احضار وزرای دفاع و کشور به پارلمان، موضع‌گیری برخی نمایندگان و تأکید مقام‌های امنیتی بر «پاکسازی منطقه» همگی در راستای کنترل خشم افکار عمومی صورت گرفته است اما بسیاری از تحلیلگران معتقدند که احتمال بی‌اطلاعی کامل بغداد بسیار ضعیف است.

واقعیت این است که ساختار امنیتی عراق طی سال‌های اخیر با چند پارگی گسترده مواجه بوده است. ارتش، پلیس فدرال، سرویس مبارزه با تروریسم، حشد الشعبی، نیروهای وابسته به اقلیم کردستان و همچنین حضور مستقیم آمریکا در قالب ائتلاف بین‌المللی، مجموعه‌ای پیچیده و گاه متعارض را شکل داده‌اند. در چنین فضایی، امکان دارد بخشی از نهادهای امنیتی از فعالیت‌های خاص مطلع باشند اما اطلاعات در سطح ملی به‌اشتراک گذاشته نشود.

گزارش‌های منتشر شده نشان می‌دهد که این پایگاه تنها یک باند فرود موقت یا محل استقرار چند نیروی محدود نبوده، بلکه یک مرکز لجستیکی کامل با قابلیت پشتیبانی عملیاتی محسوب می‌شده است و وجود تیم‌های ویژه و نیروهای آموزش‌دیده برای عملیات کماندویی نیز نشان می‌دهد که اسرائیل سناریوهای پیچیده‌تری را برای جنگ احتمالی با ایران در نظر داشته است.

**آیا بغداد واقعی خبر بود؟**

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که پس از افشای این ماجرا مطرح شد، میزان آگاهی دولت و نهادهای امنیتی عراق از وجود این پایگاه است. آیا واقعاً ممکن است یک پایگاه مخفی متعلق به اسرائیل

منطقه از قبل وجود داشته و دستگاه‌های عراقی نیز آن را در چارچوب فعالیت‌های ائتلاف بین‌المللی تفسیر می‌کردند.

**نقش آمریکا و سناریوی پایگاه‌های مشابه در منطقه**

تقریباً تمامی گزارش‌های منتشر شده درباره این پایگاه، به نوعی به نقش آمریکا اشاره دارند. وال استریت ژورنال نوشته است که اسرائیل این پایگاه را با اطلاع واشنگتن ایجاد کرده بود. هر چند منابع آمریکایی مدعی هستند که نیروهای ایالات متحده مستقیماً در حمله به نیروهای عراقی مشارکت نداشته‌اند، اما دشوار است تصور شود چنین پروژه‌ای بدون هماهنگی کامل با آمریکا امکان‌پذیر بوده باشد. باید توجه کرد که ایالات متحده همچنان نفوذ گسترده‌ای بر ساختار امنیتی عراق دارد؛ از کنترل بخشی از حریم هوایی گرفته تا حضور مستشاران نظامی و پایگاه‌های متعدد در خاک این کشور. بنابراین ایجاد یک مرکز عملیاتی مخفی در منطقه‌ای حساس بدون اطلاع یا رضایت واشنگتن تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد.

از منظر راهبردی نیز منافع آمریکا و اسرائیل در مهار نفوذ منطقه‌ای ایران تا حد زیادی همسوست. هر چند واشنگتن در ظاهر تلاش می‌کند فاصله‌ای میان خود و برخی عملیات‌های اسرائیل حفظ کند، اما واقعیت میدانی نشان می‌دهد که همکاری اطلاعاتی و لجستیکی میان دو طرف همچنان بسیار عمیق است.

موضوع مهم‌تر اما احتمال وجود پایگاه‌های مشابه در دیگر کشورهای همسایه ایران است. تجربه سال‌های اخیر نشان داده که اسرائیل به دنبال توسعه شبکه نفوذ اطلاعاتی و عملیاتی خود در پیرامون ایران بوده است. گزارش‌های متعدد درباره فعالیت‌های اطلاعاتی اسرائیل در جمهوری آذربایجان، اقلیم کردستان عراق، برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و حتی بخش‌هایی از آسیای مرکزی، این فرضیه را تقویت می‌کند.

از جهت دیگر اسرائیل به خوبی می‌داند که هر گونه تقابل مستقیم با ایران نیازمند زیرساخت‌های منطقه‌ای، مراکز پشتیبانی و شبکه‌های اطلاعاتی نزدیک به مرزهای ایران است. به همین دلیل ایجاد پایگاه‌های موقت یا نیمه‌مخفی در کشورهای همسایه ایران می‌تواند بخشی از دکترین امنیتی تل‌آویو در سال‌های آینده باشد.

### جهان نما

**تحلیلگر سودانی پاسخ داد؛ چرا متحدان سنتی خلیج فارس وارد جنگ سرد جدید شدند؟**

«مگاوی الملک» فعال و تحلیلگر سودانی در تحلیلی با عنوان «جنگ سرد خلیج فارس، نظام جدیدی را در خاورمیانه آشکار می‌کند»، نوشت: آنچه اکنون در منطقه در حال وقوع است، دیگر صرفاً یک تنش گذرا نیست، بلکه یک تحول راهبردی عمیق است که در آن ساختار خلیج فارس از درون در حال بازسازی است، نه فقط از بیرون. وی می‌نویسد: گزارش‌های غربی و اسرائیل و همچنین ارزیابی‌های نهادهای اطلاعاتی نظیر «تاکتیکال ریپورت» و «آر بی‌قا اینتلیجنس» صرفاً تحلیل رسانه‌ای نیستند، بلکه نشانه‌های روشنی از ورود نظام سنتی خلیج فارس به مرحله «بازتعریف کامل». از سازمان اوپک گرفته تا شورای همکاری خلیج فارس، به شمار می‌روند. این وضعیت صرفاً اختلافات موقتی نیست، بلکه نوعی «جدایی آرام» است که از جنگ آشکار نیز خطرناک‌تر به نظر می‌رسد، زیرا در حال بازطراحی ائتلاف‌هایی است که طی نیم قرن گذشته شکل گرفته‌اند.

به گفته این تحلیل‌گر سودانی، در حالی که افکار عمومی جهان بر جنگ آشکار با ایران متمرکز شده است، نبرد واقعی که آینده منطقه را برای پنجاه سال آینده تعیین خواهد کرد، یعنی «جنگ سرد خلیج فارس» میان ریاض ابوظبئی به راه افتاده، جنگی که با ابزارهای بی‌ثباتی پیش می‌رود که یکی از طرف‌ها خود در ایجاد آن نقش داشته است.

مگاوی الملک ادامه داد: بحران تنگه هرمز نشان داد که اتحاد نظامی در خلیج فارس دیگر تضمین‌کننده نیست. او با استناد به گزارش‌های «ان‌بی‌سی»، «وال استریت ژورنال»، «نیویورک تایمز» و «تاکتیکال ریپورت» در این باره می‌نویسد که سکوت عربستان نه از سر تردید، بلکه «عقب‌نشینی راهبردی حساب شده» بوده است. مخالفت عربستان با استفاده از پایگاه‌ها و حریم هوایی خود برای عملیات موسوم به «پروژه آزادی»، پیام روشنی داشت مبنی بر اینکه ریاض حاضر نیست به نهمان پروژه نتانیاهو – ترامپ تبدیل شود؛ پروژه‌ای که هدف آن کشاندن منطقه به جنگی فرسایشی در خدمت منافع رژیم صهیونیستی است.



وی تصریح کرد که همین تصمیم عربستان نشان داد نظریه به «منیت جمعی خلیج فارس» عملاً فروپاشیده و هر کشور اکنون مانند یک «دولت – ملت» مستقل عمل می‌کند.

الملک سپس به حمله اخیر به بندر الفجیره اشاره و گفت که این حمله فقط یک پیام ایرانی نبود، بلکه پیامی رمزگداری شده از نسوی تهران بود؛ پیامی که احتمالاً با «همه‌انگهی خاموش» همراه بوده است. او با استناد به برخی گزارش‌های اطلاعاتی ادعا کرد که میان عربستان و ایران نوعی همه‌انگهی غیرعلنی در مدیریت سطح تنش‌ها وجود دارد و پیام این حمله به امارات آن بوده که «آخرین گذرگاه امارات پس از بسته شدن هرمز نیز در تیررس قرار دارد».

این تحلیلگر با بیان اینکه الفجیره در آتش می‌سوزد و آمریکا و اسرائیل سکوت می‌کنند گفت: ابوظبئی اکنون درمی‌یابد که در برابر طوفانی که خود در شعله‌ور شدن آن نقش داشته، تنها مانده است. به اعتقاد نویسنده، پیام ریاض از طریق تهران به ابوظبئی رسیده و بر این نکته تأکید دارد که «هر کس از توازن خارج شود و اقتصاد سعودی را هدف قرار دهد، تنها رها خواهد شد».

به اعتقاد او، الفجیره صرفاً یک بندر نبود، بلکه «عروسک سوخته‌ای» بود که محور ریاض – تهران برای رساندن این پیام از آن استفاده کرد که هر کس آتش بحران را روشن کند، خود نخستین قربانی آن خواهد بود. الملک در ادامه می‌نویسد: گزارش‌های غربی اخیر از یک تحول خطرناک دیگر پرده برمی‌دارند و آن تحول این است که عربستان و امارات که پس از بهار عربی متحدان نزدیک بودند، اکنون وارد هر حله رقابت راهبردی شده‌اند. در کشور در جنگ یمن در کنار یکدیگر جنگیدند. قطر را هم محاصره کردند و در مقابله با ایران هماهنگ بودند، اما اکنون دیگر موضع واحدی وجود ندارد و هر کشور مطابق محاسبات خود عمل می‌کند. بنابراین رقابت اقتصادی جایگزین همه‌انگهی سیاسی شده و تصمیم‌گیری فردی به تدریج جای ساز و کار جمعی را می‌گیرد.

این تحلیلگر سودانی در ادامه آورده است که خروج امارات از اوپک صرفاً تصمیمی اقتصادی نیست، بلکه اعلان یک «جنگ اقتصادی سرد» علیه عربستان و آغاز نبرد قیمت‌ها است. ابوظبئی که طی دو سال گذشته خواستار افزایش سهمیه تولید نفت خود از ۲.۴ میلیون بشکه به ۴.۸ میلیون بشکه در روز بود، اکنون به دنبال آن است که بدون نیاز به موافقت عربستان، نفت خود را با یوان به چین بفروشد.

الملک این اقدام را «محاصره مالی ریاض» در شرایط حساس کنونی توصیف و می‌گوید که امارات برای کاهش وابستگی به دلار حتی به دنبال توافق تبادل ارزی با فدرال رزرو آمریکا بوده است. به اعتقاد نویسنده، منطقه اکنون از مرحله «همه‌انگهی نفتی» وارد مرحله «رقابت نفتی» شده و عربستان نیز در واکنش، گزینه استقبال از نفت ایران را در صورت نیاز باز گذاشته است و این همان لحظه‌ای است که نبرد تاج و تخت در کشورهای حاشیه خلیج فارس از اتاق‌های بسته به میدان بازارهای جهانی منتقل شد. به گفته وی، ریاض به خوبی می‌داند که کنترل قیمت نفت به معنای کنترل تصمیم جنگ و صلح است.

**با ایلنا همراه شوید**

**خبرگزاری کار ایران «ایلنا»**

### خبر

## حملات گروه‌های مسلح در مالی ۸۰ کشته بر جای گذاشت

شدت به واردات از طریق مسیرهای زمینی متکی است. یک شاهد عینی که به دلیل حفظ امنیت خود خواست نامش فاش نشود، به خبرگزاری فرانسه گفت: «فرق اصلی روز شنبه چندین اتوبوس حمل و نقل را در زامبوگو در جاده سگو-یاماگو به آتش کشیدند.»

شاهد دیگری گزارش داد که عناصر مسلح «مسافران را به زور از اتوبوس‌ها پیاده کرده و خودروها را آتش زدند.» یک فعال جامعه مدنی محلی در مالی نیز در گفت و گو با خبرگزاری فرانسه این اطلاعات را تأیید کرد و گفت: «مردم وقت نداشتند وسایل خود را بردارند، همه چیز به خاکستر تبدیل شد. بقایای سوخته خودروها هنوز روی آسفالت است. میزان خسارت بسیار زیاد است.» این حملات به وسایل حمل و نقل، جدیدترین حملات از زمان آغاز محاصره یاماگوا است. شاهدان این حمله گزارش دادند که چندین کاروان حامل کالا در روزهای اخیر به آتش کشیده شده‌اند. روز پنجشنبه، عناصر مسلح در ویدئویی از افتتاح «یک کریدور بشردوستانه برای بیماران» خبر دادند بودند.



یک مقام محلی در مالی گفت که در حملات اخیر گروه‌های مسلح، بیش از ۷۰ نفر به قتل رسیده‌اند. هم‌زمان یک مقام محلی دیگر در مالی اظهار داشت که شمار کشته‌شدگان به ۸۰ نفر رسیده است. گروه مسلح موسوم به «جماعه نصره الاسلام و المسلمین» در صدر سیده و پیامدهای جنگ در غرب آسیا از موضع ضعف وارد مذاکرات می‌شود و نکته متناقض این است که با در نظر داشتن تمام تحولات و چالش‌های یادشده، موفقیت این تلاش‌نگرانی‌های دربراه امتیازات علیه مواضع شورایی نظامی حاکم در این کشور، با وضعیت امنیتی بحرانی

## گاردین: سفر ترامپ به چین از موضع ضعف خواهد بود



اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا چهارشنبه هفته جاری برای دیدار با شی‌جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین به این کشور سفر خواهد کرد. ترامپ در دولت اول خود در سال ۲۰۱۷ به چین سفر کرده بود و این نخستین سفر یک رئیس‌جمهور آمریکا به این کشور آسیایی پس از گذشت ۱۰ سال است. با این حال، در طول ۹ سال گذشته تنش‌هایمیان دو کشور افزایش یافته که از دلایل آن می‌توان به جنگ تجاری، جنگ غیرقانونی آمریکا علیه ایران در غرب آسیا، پاندمی کرونا و نگرانی‌های

فرزاینده درباره فعالیت‌های نظامی چین اشاره کرد. اکنون که ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور بزرگ‌ترین قدرت جهان قرار خواهد داد و به طور غیرمستقیم نقاط ضعف ترامپ را برجسته کرده و بر قدرت‌های خود تأکید می‌کند. به نوشته گاردین ترامپ با ناز ضایتی داخلی بالا که به سطح بی‌سابقه ۶۲ افتاد که نشان دهنده محدودیت‌های قدرت آمریکا و محدود بود ۲ روز کاهش پیدا کرده است. روزنامه گاردین در گزارشی با این مقدمه درباره سه مساله کلیدی سفر ترامپ به چین – تهران، تایوان و تجارت، نوشت: سوزان مالونی، معاون و مدیر بخش سیاست خارجی

موسسه بروکینگز در واشنگتن، روز پنج‌شنبه در جمع خبرنگاران گفت که ایده سفر یک رئیس‌جمهور آمریکایی به نشستی با قیب اصلی‌مان در زمانی که او تازه یکی از فاجعه‌بارترین شکست‌های راهبردی در حافظه تاریخی اخیر را تجربه کرده، لحظه‌ای چشمگیر خواهد بود. از منظر ایالات متحده، این به‌طور قطع حس صعود ما را در این زمان و معنای آن برای روابط را تغییر می‌هد. شی‌جین‌پینگ احتمالاً با تقلید از نمایش‌های قدرت نرم سران کشورها از جمله پادشاه چارلز سوم، رئیس‌جمهور آمریکا را مورد ستایش قرار خواهد داد و به طور غیرمستقیم نقاط ضعف ترامپ را برجسته کرده و بر قدرت‌های خود تأکید می‌کند.

به نوشته گاردین ترامپ با ناز ضایتی داخلی بالا که به سطح بی‌سابقه ۶۲ در صدر سیده و پیامدهای جنگ در غرب آسیا از موضع ضعف وارد مذاکرات می‌شود و نکته متناقض این است که با در نظر داشتن تمام تحولات و چالش‌های یادشده، موفقیت این تلاش‌نگرانی‌های دربراه امتیازات احتمالی او به این ایجاد خواهد کرد.

## حمله خودکار هسته‌ای در کره شمالی در صورت ترور کیم

فرماندهی و کنترل بر نیروهای هسته‌ای کره شمالی توسط حملات نیروهای متخاصم در معرض خطر قرار گیرد، حمله هسته‌ای باید به‌طور خودکار و فوری انجام شود.» خبرگزاری رویترز، پیش از این گزارش داده بود که پیونگ یانگ قانون اساسی خود را اصلاح کرده تا قلمرو خود را به عنوان مرز کره جنوبی تعریف کند و اشارات به اتحاد مجدد را حذف کند که نشان‌دهنده تلاش کیم جونگ‌اون برای برخورد رسمی با دو کره به عنوان کشور‌های جداگانه است. این اولین باری است که کره شمالی یک بند مربوط به قلمرو را در قانون اساسی خود می‌تجانسد. ماه گذشته، کیم جونگ اون متعهد شد که ضمن حفظ موضع سختگیرانه در قبال مسئول که آن را «متخاصم‌ترین» کشور نامیده است، قابلیت‌های هسته‌ای کشور را بیشتر تقویت کند.



کره شمالی با تغییر قانون اساسی خود، حمله هسته‌ای خودکار را در صورت کشته یا ناتوان شدن کیم جونگ اون در یک حمله خارجی الزامی کرد. اصلاح قانون اساسی کره شمالی در جلسه مجمع عالی خلق این کشور که در ۲۲ مارس در پیونگ‌یانگ افتتاح شد، تصویب شد. به نوشته روزنامه تلگراف، سرویس اطلاعات ملی کره جنوبی مقامات ارشد دولتی را در جریان این به‌روزرسانی قرار داده است. همچنین این سیاست اصلاح‌شده، رویه‌های اقدام تلافی‌جویانه در صورت ناتوانی یا کشته شدن کیم جونگ، اون رهبر کره شمالی را تشریح می‌کند. در این قانون اساسی به‌روز شده آمده است: «اگر سیستم